

آیه ۱۱۹

۱۱۹/۱- تشویق و تنبیه، دو اصل مهم تربیتی

الف) مبلغان دینی، باید در جهت هدایت مردم و تأثیرگذاری تربیتی بر آنان، به دو عامل بشارت و انذار یا همان تشویق و تنبیه، توجه ویژه نموده و از آن به خوبی و در جای خود استفاده نمایند. خداوند، بارها پیامبر را در قرآن، با این دو صفت «بشير» و «نذیر» خطاب نموده است. نکته‌ی جالب آن که، هر گاه از صفت بشارت در قرآن سخن به میان آمده، در کنار آن صفت انذار و تهدید نیز آمده است.
 ب) ولی درباره‌ی صفت انذار، این‌گونه نیست و گاهی از پیامبر تنها به عنوان «منذر» یا «نذیر» یاد شده است. این امر، نشان دهنده‌ی اهمیت بیشتر جانب تهدید بر جانب تشویق در اصول تربیتی است.

ج) هر چند در اکثر آیات قرآن، بشارت مقدم داشته شده این نیز ممکن است به خاطر این باشد که در مجموع، رحمت خدا بر عذاب و غضب او پیشی گرفته است. (یا **مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَةُ غَضَبِهِ**).

۱۱۹/۲- مأمور به وظیفه، نه مأمور به نتیجه

خداآوند در پایان آیه می‌فرماید: «و درباره‌ی اهل دوزخ، از تو پرسشی نخواهد شد». یعنی اگر ایمان نیاوردن مسئولیت آن با تو نیست. به همین دلیل مبلغان نباید از ایمان نیاوردن جاهلان و کافران، اندوهگین باشند؛ زیرا آنان به وظیفه‌ی خود عمل نموده و مأمور به نتیجه نیستند.

پیام‌ها

۱- ظلم فرهنگی، بزرگ‌ترین ظلم‌هاست. «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (آیه ۱۱۴)

۲- ارزش مساجد به این است که در آن‌ها یاد خداوند زنده شود و مطالب خداپسندانه بازگو شود. «أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (آیه ۱۱۴)

۳- مساجد سنگر مبارزه‌اند و دشمن سعی در خرابی آن‌ها دارد. «سَعَى فِي خَرَابِهَا» (آیه ۱۱۴)

۴- سنت خداوند، اتمام حجت و بیان دلیل است؛ نه پاسخ به خواسته‌ها و تمایلات نفسانی هر کس. «فَدَبَيَّنَ الْآيَاتِ» (آیه ۱۱۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

وازگان

- ۱- **یحکم**: داوری می‌کند. (حکم: داوری) (آیه ۱۱۳)
- ۲- **خزی**: ذلتی است که شرم‌ساری می‌آورد. (آیه ۱۱۴)
- ۳- **سبحانه**: پاک و منزه است او. (آیه ۱۱۶)
- ۴- **قاترون**: اطاعت کنندگان خاضع و خاشع. (فُوت: فرمان برداری همراه با خضوع) (آیه ۱۱۶)
- ۵- **بدیع**: پدیدآورنده، مبتکر. (بدع: ایجاد و خلق به صورت ابتکاری) (آیه ۱۱۷)

نکات تفسیری

آیه ۱۱۳

۱۱۳/۱- نادانی، سرچشمۀ اصلی تعصب جاهلانه

گروهی از مسیحیان نحران به حضور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و با آن حضرت در خصوص دین اسلام مجادله کردند. در این هنگام، علمای یهود نیز با آنان مجادله و نبوت حضرت عیسیٰ علیه السلام و کتاب انجیل را انکار کردند. در پاسخ، یکی از علمای مسیحی نیز، دین یهود را باطل دانسته و نبوت حضرت موسیٰ علیه السلام و کتاب تورات را انکار نمود. مشرکان نیز، همین رویه را در پیش گرفته و همه‌ی ادیان الهی را انکار می‌کردند. آیه‌ی فوق نازل شد و هر دو گروه را منکرین حق معرفی کرد.

این آیه سرچشمۀ اصلی تعصب جاهلانه را نادانی معرفی کرده، چرا که افراد نادان همواره در محیط زندگی خود محصورند و غیر آن را قبول ندارند.

۱۱۳/۲- اشتغال ظالمان به یکدیگر

همچنین آیه فوق به مسلمانان دلگرمی می‌دهد که اگر پیروان این مذاهب به مبارزه با آن‌ها برخاسته‌اند و آئین آن‌ها را نفی می‌کنند، هرگز نگران نباشند، آن‌ها خودشان را هم قبول ندارند، هر یک چوب نفی بر دیگری می‌زنند، و در اصل جهل و نادانی سرچشمۀ تعصب و تعصب سرچشمۀ انحصارگری است.

آیه ۱۱۶

نفی فرزند برای خدا

یهود پیامبر خدا «عَزِيز» و مسیحیان «عیسی» را پسر خدا می‌دانستند و بعضی مشرکان نیز، فرشتگان را دختران خدا می‌انگاشتند.

این سخن بدون شک زائیده افکار انسان‌هایی است که خدا را در همه چیز با وجود محدود خودشان مقایسه می‌کردند. انسان به دلائل مختلفی نیاز به وجود فرزند دارد:

- ۱- عمرش محدود است و برای ادامه نسل تولد فرزند لازم است.
- ۲- قدرت او محدود است، و به خصوص به هنگام پیری و ناتوانی نیاز به معاونی دارد که به او در کارهایش کمک کند.
- ۳- جنبه‌های عاطفی، و روحیه‌ی انس طلبی، ایجاب می‌کند که انسان مونسی در محیط زندگی خود داشته باشد که آن هم به وسیله فرزندان تامین می‌گردد.

بديهی است هیچ‌يک از اين امور در مورد خداوندي که آفریننده عالم هستی و قادر بر همه چیز و ازلى و ابدی است مفهوم ندارد.

همچنین داشتن فرزند لازمه‌اش جسم بودن است که خدا از آن نیز منزه می‌باشد.

آیه ۱۱۸

۱۱۸/۱- بهانه‌جويی مشرکان

در این آيه، به دو بهانه‌ی مشرکان برای طفره رفتن از پذيرش اسلام، اشاره می‌شود:

- ۱- چرا خداوند به طور مستقيم با خود ما سخن نمی‌گويد؟
- ۲- چرا خداوند معجزه‌ای برای خود ما نمی‌آورد؟

هر دو اين سخنان، انتظار نابجايی است؛ زيرا:

اول: همه‌ی افراد، ظرفیت دریافت مستقیم پیام الهی و اتصال به عالم غیب را ندارند.

دوم: اگر قرار باشد برای هر فردی به صورت جداگانه معجزه صادر شود، دیگر از حد اعجاز خارج می‌شود و کسی آن را امر خارق العاده‌ای محسوب نخواهد کرد.

۱۱۸/۲- دل‌های شبیه به هم مخالفین

يهود از حضرت موسی درخواست می‌کردند که یا خداوند را ببینند، یا خداوند با آنان سخن گوید، در این آيه، مشابه همین درخواست‌ها از سوی مشرکان مطرح می‌شود. این خود، بیان‌گر طرز تفکر واحد و شباهت این دو گروه به يكديگر است.

آیه ۱۱۴

ستمکارترين مردم

اين آيه درباره‌ی کفار و مشرکان قريش نازل شده که مانع نماز خواندن مسلمانان در مسجدالحرام و اطراف کعبه می‌شند. البته مفهوم آيه وسیع و گسترده است و به زمان و مكان معینی محدود نمی‌شود؛ همانند سایر آياتی که در شرایط خاصی نازل گردیده و حکم آن در همه‌ی قرون و اعصار ثابت است. بنابراین، هرکس و هر گروه که به نوعی در تخریب مساجد الهی بکوشد، یا مانع از آن شود که نام خدا در آن جا برده و عبادت او در آن جا انجام گيرد، ستمکارترين مردم و مشمول رسوايی و عذاب عظيم است. همچنين، لازم به ذكر است، جلوگيري از ورود به مسجد و ذكر نام پروردگار و کوشش در تخریب آن، تنها به اين نيشت که ساختمن آن را ويران کنند؛ بلکه هر عملی که نتيجه‌ی آن، از رونق افتادن مسجد باشد، مشمول همین حکم است.

آیه ۱۱۵

۱۱۵/۱- خداوند جهت ندارد

پس از آن که قبله‌ی مسلمانان از بيت المقدس به مسجدالحرام تغيير یافت، یهوديان و مشرکان بر مسلمانان ايراد می‌گرفتند که چرا جهت قبله تغيير یافت؟ خداوند، در پاسخ به اين ايراد، خاطرنشان می‌سازد، تغيير جهت قبله به معنای اين نيشت که خدا سمت و جهت خاصی دارد؛ بلکه تمام مشرق و مغرب از آن خداست و او جاي مخصوصی ندارد.

۱۱۵/۲- علت توجه به قبله‌ی واحد در نماز

حکمت وجود يك قبله برای همه‌ی مسلمانان، پيدايش وحدت و هماهنگی در صفوف مسلمین است تا از هرج و مرچ و پراكندگی جلوگيري شود. از سویی، محلی که به عنوان قبله تعیین شده است؛ نقطه‌ای مقدس است که قدیمی‌ترین پایگاه توحید می‌باشد و توجه به آن بيدار کننده‌ی خاطرات توحیدی است.

۱۱۵/۳- برداشت فقهی

در روایات متعددی به اين آيه، برای صحت نماز کسانی که به غير سمت کعبه از روی اشتباه و یا عدم توانایی بر تحقیق نماز خوانده‌اند استناد شده، و نیز به همین آيه برای صحت نماز خواندن بر مرکب، استدلال نموده‌اند.